

برای تشخیص بهتر فعل مجهول در عبارت، جمله را مرتب کنید:

در نمونه زیر (صفت مفعولی +نگردد) که ساختار فعل مجهولی دارد به کار رفته ولی در جمله مرتب شده چنین ساختاری وجود ندارد:
که زنگ خورده نگردد به نرم سوهان پاک - زنگ خورده به سوهان نرم پاک نگردد - بنا بر این فعل جمله مجهول نیست.

نقش های تبعی (مرتبط با درس ۳ فارسی ۲)

تقسیم بندی نقش های دستوری:

۱. نقش های اصلی: ۱. نهاد، ۲. مسند، ۳. مفعول، ۴. متمم، ۵. منادا

۲. نقش های فرعی یا تبعی: ۱. معطوف، ۲. بدل، ۳. تکرار

وجه تسمیه نقش های فرعی و تبعی: چون هیچ گاه به تنهایی و مستقل در جمله نمی آیند بلکه همراه گروه دیگری به کار می روند و از نظر نقش دستوری تابع گروه اسمی قبل از خود هستند.

آیا معطوف فقط بعد از واو عطف می آید: خیر واژگان بعد از ویرگول و یا در صورت هم نقش بودن با واژه ما قبلش معطوفند.

نقش تبعی تکرار جمله جدید ایجاد نمی کند: مثلاً «بهار فرا رسید، بهار»

یک جمله محسوب می شود: زیرا در تعریف تکرار چنین می گوئیم: هر گاه واژه ای در یک نقش دو بار در یک جمله تکرار شود.

هر نوع واوی را واو عطف شماریم: واو ربط بین دو جمله می آید:

خانندان مولانا شهر بلخ را بدرود گفتند و به قصد حج رهسپار گردیدند.

واو عطف بین دو کلمه می آید. واو وندی: بین اجزای یک واژه می آید.

پس از چندی اقامت در شهرهای حلب و شام به قونیه باز آمد. / گفت و گو (واو اول: واو عطف، واو دوم: واو وندی)

انواع واو و طرز تشخیص آنها:

۱. واو وندی: فقط صدای ^و می دهد و در بین یک واژه وندی مرکب می آید.

۲. واو عطف: صدای ^و و واو می دهد و بین دو واژه می آید

۳. واو ربطی: بین دو جمله می آید (رابط دو جمله است)

نمونه های بدل: خواجه عبدالکریم خادمی خاص شیخ ما، ابو سعید بود (با مسند اشتباه نشود) من خودم به چشم خویشتم دیدم که جانم می رود - نوازان همه در جوش و خروش آمده اند - بدین روش که تو طاووسی می کنی رفتار

امیر را یافتم آن جا بر زبر تخت نشسته مخنقه در گردن، عقدهی همه کافور و بوعلای طیب آن جا نشسته بود. (عقدی همه کافور: بدل از مخنقه)

در تکرار باید کلمه در یک نقش دوبار تکرار شود: نمونه های زیر تکرار محسوب نمی شود:

عشق گفتا شرع تعلیمت کنم / در طریق عشق تعظیمت کنم

دوای درد، بی شک درد باشد / کسی باید که مرد مرد باشد

که جرم من چو جرم دیگران نیست / گناه من چون گناه این و آن نیست؛ اما نمونه های پشت من هجر چو بشکست تو عهدم مشکن / نقض عهد از همه رو عین گناه است گناه لاف زخم لاف که تو راست کنی لاف مرا / ناز کنم ناز که من در نظرت معتبرم

به محض دیدن واژه تکراری نباید فکر کنیم که نقش تبعی تکراری داریم مانند مثالهای بالا

چرا واژگان تکراری که هم نقش نیستند را در دستور تکرار نمی پنداریم؟ چون هر کدام نقش های دستوری متفاوتی دارند و هیچ کدام تابع دیگری نیست.

گاهی دو بدل پشت سر هم می آید: محمد، ملقب به جلال الدین، مشهور به مولانا یا مولوی، ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری شمسی به دنیا آمد آیا او ربطی همیشه بعد از فعل می آید؟ امیر را یافتم آنجا بر زبر تخت نشسته مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و ابوالعلائی طیب آن جا نشسته بود.

گاهی بدل از حرف اضافه + گروه اسمی تشکیل می شود: سعدی، از شاعران سبک عراقی گلستان را در هشت باب نوشت.

بدل را با مسند اشتباه نگیرید: مسند قابل حذف نیست ولی بدل را می توان حذف کرد برای جلوگیری از اشتباه اول نقش های اصلی (یعنی مسند) را مشخص کنید: راست است که رستم قهرمان فردوسی و مظهر بسیاری از پسندها و آرزوهای ملت بوده است قهرمان فردوسی مسند است نه بدل.

توضیحات مربوط به عباراتی چون دو کس، سه کس، دو چیز، سه چیز بدل است:

دو کس را حسرت از دل نرود تاجر کشتی شکسته و وارث با قلندران نشسته

بدل

بدل جمله نیست: دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد / گفتا شراب نوش و غم دل ببر زیاد / جمله «که ذکرش به خیر باد» جمله معترضه است نه بدل.

ضمیر مشترک بعد از ضمیر شخص بدل است: من، خود، به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

بدل

سه بدل متوالی: سیاوش در آنجا با جریره، دختر پیران ویسه وزیر خردمند افراسیاب و فرنگیس، دختر افراسیاب، ازدواج کرد. دختر پیران ویسه بدل از جریره / وزیر خردمند افراسیاب بدل از پیران ویسه دختر افراسیاب بدبدل از فرنگیس.

ساختمان واژه (مرتبط با درس ۵ فارسی ۲)

باید اجزای واژه بعد از تجزیه و واشکافی با اصل واژه ارتباط معنایی داشته باشند: مثلاً پیر + آهن هر چند در زبان فارسی معنا دارند اما چون پیر و آهن با پیران ارتباط معنایی ندارد قابل تجزیه نیست و ساده شمرده می شود ولی واژه گاو آهن مرکب و قابل تجزیه است.

در بررسی ساختمان واژه افعال را کنار می گذاریم: به ثبت دیده ها و شنیده های خود پرداخته و از این رهگذر پرداخته جزئی از فعل است

ضمایر متصل را وند شماریم: نگاهش دو واژه است نگاه: اسم ساده

ش: واژه ساده (ضمایر متصل واژه هستند) راهمان: دو واژه ساده

اسم خاص بودن واژه ها تاثیری در ساختمان واژه ندارد: جمال زاده: ونندی مرکب قابوس نامه: مرکب